

# تأثیر قاچاق بر از خودبیگانگی از هنجارهای دینی و ملی

\* زینب محمودآبادی

چکیدہ

امروزه قاچاق یکی از مسائل اصلی کشور محسوب می‌شود. به طوری که آثار قاچاق نه تنها در بعد اقتصادی آسیب‌های جدی به جامعه وارد می‌کند، بلکه آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی جبران ناپذیری نیز در پی دارد. یکی از پیامدهای مخرب قاچاق، ایجاد از خودیگانگی از هنجرهای دینی و ملی است. در این مقاله به بررسی و «تأثیر قاچاق بر از خودیگانگی از هنجرهای دینی و ملی» به روش اسنادی پرداخته شده است. بدین منظور، هنجرهای دینی و ملی به عنوان شاکله هویت ایرانی اسلامی در نظر گرفته شده و در این راستا، پنج بعد هویت ایرانی اسلامی شامل بعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و سیاسی، تعریف و شاخص‌سازی شده است و سپس آسیب‌های قاچاق به تفکیک این پنج بعد بر روی هویت ایرانی اسلامی و هنجرهای دینی و ملی تشریح و تبیین شده است.

**واژه‌های کلیدی:** فاچاق، هنجارهای دینی و ملی، هویت ایرانی اسلامی.

## مقدمه

در حال حاضر قاچاق، از جمله مشکلات کشور به شمار می‌رود. ابعاد گوناگون این پدیده و فراگیری تاثیرات آن ایجاد نموده که برای برخورد با آن امکانات ملی بسیج شود (بیابانی سرهنگ، ۱۳۹۰)، البته قاچاق یک معطل بین‌المللی است، اما وضعیت خاص کشور در زمینه‌های جغرافیایی، اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی منجر به آسیب‌پذیری فراوان در این حیطه شده است. از سوی دیگر جوانی جمعیت، رشد نرخ بیکاری جوانان و محرومیت‌ها و محدودیت‌های طبیعی موجود در مرزهای کشور، ایران را مستعد قاچاق کالا نموده است. لذا برای مقابله با این آسیب، بخش عمده‌ای از توان مادی و معنوی کشور، صرف مقابله با قاچاق می‌شود. اهمیت مبارزه با این موضوع از این جهت است که قاچاق بر جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاست کشور اثرات سو گذاشته و به معضلی تبدیل گردیده که نیازمند توجه و شناسایی کامل و همه‌جانبه است (یاروی بافقی، ۱۳۸۹). اما باید توجه نمود که چالش‌ها و چشم‌اندازهای حوزه قاچاق کالا فراوان بوده و حل مسائل و مشکلات این حوزه به راحتی امکان‌پذیر نمی‌باشد. عدم توجه به نقش تعیین‌کننده شاخص‌های کلان اقتصادی در کنترل جرایم اقتصادی، نبود عزم جدی در برخورد با اینگونه جرایم، تعدد سازمان‌های مسئول، نبود قانونی جامع و فراگیر، وجود قوانین گمرکی قدیمی و غیرقابل تطبیق با اقتصاد جهانی، وجود رانت‌های مختلف سیاسی و اطلاعاتی و ... از جمله مهم‌ترین چالش‌های این حوزه می‌باشد (لشی پارسا، ۱۳۸۷).

اما صرف نظر از علل قاچاق، قاچاق پیامدهای بسیار مخربی نیز برای جامعه دارد، در رابطه با پیامدهای قاچاق، معمولاً بر ابعاد اقتصادی تاکید می‌شود. اما این تصور اشتباہی است که فرض شود مسئله و مشکل قاچاق صرفاً بر ابعاد اقتصادی جامعه تاثیر مخرب می‌گذارد و قربانیان قاچاق فقط مربوط به عاملان قاچاق است، و آسیب‌های آن تنها خود قربانیان را متاثر می‌سازد. زیرا افزایش قاچاق در یک جامعه برابر با افزایش فساد، ناتوانی و غیرمولد بودن عده‌ای از افراد جامعه است که به دیگر بخش‌ها نیز آسیب می‌رساند و در نتیجه آن افزایش ناامنی، نا亨جارتی‌های اخلاقی و اجتماعی متعددی به بار خواهد آمد. زیرا در یک جامعه خردمندانه‌سیستم‌های متعدد در

کنار یکدیگر کار می‌کنند و یک نوع وابستگی متقابل بین این خرده سیستم‌های جامعه وجود دارد، لذا اختلال و کژکارکرد در هریک از این خرده سیستم‌ها، دیگر خرده سیستم‌های جامعه را نیز چار آسیب می‌کند (فروغی، ۱۳۹۰). لذا در این مقاله تاثیر قاچاق بر ارزش‌های ملی و دینی بررسی خواهد شد.

## تعريف مفاهیم

### قاچاق کالا

در رابطه با چیستی قاچاق کالا، رویکردهای متفاوتی وجود دارد. اما در کل می‌توان گفت که قاچاق کالا ورود یا خروج پنهانی و غیرقانونی کالا از مبادی رسمی و غیررسمی بدون پرداخت عوارض و حقوق گمرکی است. شهرها و مناطق مرزی به خاطر موقعیت خاص جغرافیایی مهمترین مبادی ورود و خروج کالای قاچاق محسوب می‌شوند (مستجابی سرهنگی، ۱۳۹۳).

سازمان جهانی گمرک، تعریف زیر را در این زمینه ارائه کرده است: قاچاق، تخلف گمرکی شامل جابه‌جایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی است (قلیزاده، ۱۳۹۰). البته لازم به ذکر است که قاچاق از نظر ماهوی به دو شکل انجام می‌گیرد: از یک سو ممکن است عوامل تجاری غیرقانونی، کالایی را به صورت غیررسمی و مخفیانه بدون پرداخت حقوق گمرکی و رعایت ضوابط تجاری وارد کشور کرده و یا از آن خارج نمایند و از سوی دیگر عوامل تجاری قانونی، فعالیت تجاری قانونی خود را به عنوان پوششی برای انجام اعمال متفلبانه در تجارت، مانند دستکاری در استناد تجاری قرار دهند که به این حالت شبه قاچاق گفته می‌شود (پژوهان، ۱۳۸۵).

### أنواع قاچاق

یکی از راه‌های شناخت انواع قاچاق، صورت‌بندی آن در قوانین کیفری است. در این قوانین، جرایم قاچاق به دو دسته عمده تقسیم شده است: اول، قاچاق اموال موضوع عایدات دولت و دوم، قاچاق اشیای ممنوع الصدور و ممنوع الورود. در یک تقسیم‌بندی دیگر، قاچاق ارز و کالا

را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: اول، قاچاق اشیایی که واردات و صادرات یا هرگونه معامله آن به طور کلی ممنوع است. دوم، قاچاق اشیایی که واردات و صادرات و یا توزیع آن در انحصار دولت است. سوم، قاچاق اشیایی که واردات و صادرات یا معاملات و توزیع یا عرضه آن با مجوز خاص دولت امکان‌پذیر است. چهارم، قاچاق اشیایی که واردات و صادرات یا معاملات راجع به آن با پرداخت حقوق و عوارض دولتی و از مجاری قانونی مجاز است. اینکه چه کالایی مشمول هریک از اقسام چهارگانه بالا باشد، به میزان اهمیت و ارتباط آن به سیاست‌های اقتصادی دولت یا به هنجارها و ارزش‌های اعتقادی و مصالح عامه کشور بستگی دارد (بیانی سرهنگ، ۱۳۹۰)

در یک تقسیم‌بندی دیگر از منظر نوع کالا، انواع قاچاق کالا در ایران را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود: (لشنی پارسا، ۱۳۸۷)

- قاچاق کالای گمرکی
- قاچاق کالای دخانی
- قاچاق ارز، طلا، نقره و مسکوکات
- قاچاق فرآورده‌ها (شیلاتی، جنگلی، نفتی)
- قاچاق اموال تاریخی فرهنگی
- قاچاق اسلحه و مهمات، وارد کردن و یا صادر کردن اسلحه به مملکت، خرید و فروش و یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و یا نگاه داشتن آن
- قاچاق پرنده‌گان شکاری و وحوش کمیاب
- قاچاق انسان و اعضای بدن، هرگونه انتقال غیرقانونی یا مبادله انسان برای منافع اقتصادی یا شخصی
- قاچاق دارو
- قاچاق ابزار و ادوات غیر اخلاقی
- قاچاق محصولات کشاورزی و دامی

تعریف هنگارهای دینی و ملی، شاکله اصلی هویت ایرانی اسلامی

جهت سنجش تاثیر قاچاق بر از خودبیگانگی از ارزش‌های دینی و ملی، ابتدا به صورت بنده هنجرهای دینی و ملی پرداخته شده است. بدین منظور صورت‌بندي نظری هنجرهای دینی ملی، هویت ایرانی اسلامی به عنوان نتیجه التزام به هنجرهای دینی و ملی مد نظر قرار گرفته است. زیرا هنجرهای دینی و ملی، شاکله هویت ایرانی — اسلامی هستند، در واقع هویت ایرانی اسلامی، نوعی از شناخت، شیوه زندگی و نحوه تفکر افراد در خصوص ارزش‌ها، هنجرها، اعتقادات، باورها و نگرش‌ها و ... بر مبنای مولفه‌ها و ابعاد ایرانی و مبتنی با موازین اسلامی است (قیومی، ۱۳۹۱). بر این مبنای هویت اسلامی — ایرانی را می‌توان چنین تبیین کرد: هویت اسلامی — ایرانی، برآیندی است که از شناخت آموزه‌های اسلامی — ایرانی، درونی کردن آن‌ها و نیز پایبندی عملی به آموزه‌های مذکور، برای افراد حاصل می‌شود. این آموزه‌ها در فرایند تطبیق عملی فرهنگ گذشته ایران با مبانی اسلامی و با معیار قرار دادن اسلام در این فرایند، به دست می‌آید (سیحانی نژاد، ۱۳۹۲).

هويت ايراني — اسلامي داراي شاخصها و مولفه هایی است که با وقوف بر آنها می توان به ابعاد آن پي برد. از جمله شاخص های مهم و بنیادی اين هويت می توان به شاخص های اعتقادی، رفتاري، سياسي، تاريخي و فرهنگي اشاره کرد (مير حيدري، ۱۳۹۳). در جدول شماره يك، ابعاد ديني، اقتصادي، سياسي، اجتماعي و فرهنگي و شاخص های آنها به تفصیل تشریح شده است:

جدول ۱. ابعاد هویت ایرانی - اسلامی (سبحانی نژاد، ۱۳۹۲)

<p>تلاش برای یادگیری جوانب مختلف اسلام (جوانب اعتقادی، احکام و اخلاق)</p> <p>باور درونی به دین اسلام</p> <p>پاییندی جامع و عملی به بایدها و نباید های دین اسلام</p>	<p>بعد دینی</p>
<p>پاییندی جامع و عملی به اخلاق اقتصادی جامعه اسلامی ایران (اعم از قناعت، عدم اسراف، قرض الحسن و ...) و بایدها و نباید های اقتصادی جامعه اسلامی ایران (اعم از عدم کم فروشی، عدم ریاخواری، عدم احتکار، عدم رشوه دهی و رشوه گیری، پرداخت خمس و زکات و ...)</p>	<p>عد اقتصادی</p>

<p>تلاش در جهت رشد و توسعه نظام اقتصادی جامعه اسلامی ایران</p> <p>درک ضرورت وجودی جامعه اسلامی ایران.</p> <p>تمایل به پرداخت هزینه‌های تداوم جامعه اسلامی ایران(مانند: همراهی و حمایت از سیاست‌های نظام در زمان تحریم‌های اقتصادی، پرداخت مالیات و ...)</p> <p>تعهد عملی به جامعه اسلامی ایران، مانند افتخار به ایرانی بودن</p> <p>مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی جامعه اسلامی ایران.</p> <p>تلاش برای حفظ و حدت جامعه اسلامی ایران</p>	<p>بعد اجتماعی</p>
<p>آگاهی از آداب و رسوم مطلوب جامعه اسلامی ایران و پاییندی به آن (احترام به بزرگ‌ترها، مهمان نوازی و ...).</p> <p>آشنایی با هنرهای جامعه اسلامی ایران.</p> <p>آگاهی از مهم‌ترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی ایران و اسلام و بازدید از آثار تاریخی و موزه‌های تاریخی</p>	<p>بعد فرهنگی</p>
<p>مرجح دانستن نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی جامعه اسلامی ایران</p> <p>درک ضرورت وجودی رهبری در جامعه اسلامی ایران(ولایت فقیه)</p> <p>دارا بودن بیش و بصیرت سیاسی(مانند درک شرایط سیاسی و خارجی و ...)</p> <p>اعتقاد به مردم سalarی دینی</p> <p>آمادگی برای دفاع از جامعه اسلامی ایران در هر زمان و تحت هر شرایط</p> <p> جدا ندانستن سیاست از دین (باور به گسترش بودن آموزه‌های دین در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست. همچنین، اعتقاد به اینکه سیاست، بستر مهم تحقق احکام دین است)</p> <p>مشارکت در فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی ایران از جمله شرکت آگاهانه در انتخابات.</p> <p>پاییندی به قوانین سیاسی جامعه اسلامی ایران(مانند رعایت قوانین، انتخابات، تظاهرات یا راه‌پیمایی‌ها، حضور در مجلس و ...)</p>	<p>بعد سیاسی</p>

در ادامه تأثیر قاچاق به تفکیک بر ابعاد دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ارزش‌های و هنگاری ایرانی اسلامی بررسی خواهد شد.

(رمضان نرگسی، ۱۳۸۲).

یکی از پیامدهای قاچاق، از خودبیگانگی از هنجاری اجتماعی ایرانی — اسلامی است. این هنجارها در بعد اجتماعی بر مشارکت، تعهد، وحدت و تلاش در راستای حفاظت از نظام اسلامی تاکید دارند، در صورتی که قاچاق با پیامدهایی نظیر ۱. گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی، ۲. مصرف‌گرایی، ۳. بیگانگی، ۴. کاهش ارزش‌گرایی، ۵. تمایل به قانون‌گریزی، ۶. هدر رفتن سرمایه‌های اجتماعی، ۷. تضعیف مقبولیت، ۸. کاهش مشروعيت، ۹. افزایش بی‌نظمی اجتماعی، ۱۰. کاهش امنیت اجتماعی (حیدری‌فر، ۱۳۹۳)، منجر به از خودبیگانگی از بعد اجتماعی هویت ایرانی اسلامی می‌شود. در ادامه برخی از این آسیب‌ها به تفکیک انواع قاچاق تشریح می‌شوند:

**آسیب به نهاد خانواده:** بدیهی است که محیط خانواده مهمترین عامل در تکوین و تحول شخصیت فرزندان یعنی نسل فردای جامعه به شمار می‌آید. اگر محیط خانواده سالم و مبتنی بر اصول اخلاقی باشد در کودک اعتماد به نفس، پذیرش مسئولیت، همسازی، انصاف و بالاخره شخصیت سالم و متعادل به وجود می‌آید. بر عکس در خانواده ناسالم و متکی بر ضد اخلاقیات، رشد کودک ناسالم شده و او را آماده بزهکاری می‌سازد. اما قاچاق انواع ابزار تهاجم فرهنگی و مواد مخدر موجب کجرویی‌ها و پریشانی‌های بسیاری در کانون خانواده که کوچکترین هسته و به روایتی مهمترین رکن جامعه می‌باشد، به وجود می‌آورد. (لشی پارسا، ۱۳۸۷)

در این راستا می‌توان گفت که از جمله مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از قاچاق بهخصوص قاچاق انسان، فروپاشی و اضمحلال نهاد خانواده است. پدیده قاچاق عموماً ساختار خانواده را شکننده می‌سازد و افراد قربانی قاچاق پیونددهای خود با دیگر اعضای خانواده را از دست می‌دهند و احتمال اینکه دوباره به آغوش خانواده برگردند و شخصیت خود را در آن بازسازی کنند بسیار اندک است. زیرا حتی بازگشت به خانواده، آنان با مشکلات عدیدهای مواجه خواهند شد. بر اساس گزارش یونیسف بسیاری از زنانی که به خانه باز می‌گردند، دوباره به دام قاچاقیان انسان می‌افتد. همه آنان با احساس شرم و عدم اطمینان به آینده، دست و پنجه نرم می‌کنند.

**آسیب‌های بهداشتی:** قربانیان قاچاق انسان، معمولاً در یک وضعیت بهداشتی ناسالم به سر

می‌برند و حاملین بسیاری از بیماری‌ها می‌شوند. پدیده قاچاق انسان علاوه بر اینکه یک موضوع حقوق بشر محسوب می‌شود، به دلیل ابتلای گستردگی بسیاری از قربانیان قاچاق به ویروس اچ‌آی‌وی و دیگر بیماری‌های مقاربته تبدیل به یک نگرانی عمومی برای سلامت جامعه شده است. علاوه بر ایدز، قربانیان حامل انواع بیماری‌ها و نارسایی‌های بهداشتی و روانی هستند. زیرا معمولاً هیچ کس متولی رسیدگی به چنین مشکلاتی در آنان نیست و چون آنان به بسیاری از شیوه‌های سرایت و انتقال بیماری‌ها آگاهی کافی ندارند این بیماری‌ها به دیگر افراد جامعه سرایت خواهد کرد (فروغی، ۱۳۹۰)

**ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی:** ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی یکی از آسیب‌های جدی قاچاق است. عناصر مصرف و هویت ایرانی-اسلامی هیچ سنتیتی با تجمل‌پرستی و زیاده‌طلبی مصرف‌گرایی ندارند. در اسلام کسب ثروت و سیله‌ای برای تحقق مراتب حیات طبیه و ایجاد زمینه سعادت دنیوی و اخروی خود و دیگران است و از نظر اسلام نباید کسب ثروت را به عنوان یک هدف دنبال کرد. اما قاچاق با ترویج مصرف‌گرایی از طریق سوق افراد به سوی مصرف تجمل‌گرایانه، باعث تضعیف گرایش حق طلبی، کاهش مشارکت طلبی و کمرنگ شدن نوع دوستی و قناعت می‌شود، و پرورش هویت ایرانی — اسلامی را با چالشی بزرگ مواجه می‌کند (محمدی، ۱۳۹۴). تحقیقات تجربی نیز دال بر این موضوع هستند و نتایج مطالعات نشان می‌دهد که افراد در ایران سعی دارند تا از طریق خرید کالاهای لوکس تجاری، با نشان دادن توان خرید خود، دیگران را تحت تاثیر قرار دهند. از میان این کالاهای تجاری که در ایران با استقبال زیادی مواجه شده می‌توان به وسائل منزل گران قیمت، ماشین‌های گران قیمت، گوشی‌های تلفن گران قیمت و مدل‌های پوشاش و کفش خارجی اشاره کرد. نمود این گرایش به مصرف کالاهای خارجی را می‌توان در افزایش واردات کالا (به عنوان یکی از نمودهای مصرف‌گرایی) در سال‌های اخیر مشاهده کرد. به گزارش سایت خبری تابناک، میزان واردات از سال ۱۳۷۲ از رقم ۱۱ میلیارد دلار تا سال ۱۳۹۰ به رقم ۵۷ میلیارد دلار رسیده است. در این مدت افزایش جمعیت ایران حدود ۲۵ درصد بوده است ولی افزایش واردات حدود ۲۸۰ درصد بوده است. البته اگر مصرف

کالاهای داخلی و کالاهایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند را به این رقم اضافه کنیم، افزایش مصرف خیلی بیشتر خواهد بود (محمدی، ۱۳۹۴)

**افزایش فقر:** فقر حاصل رکورد شدید درآمد ملی، توزیع ناعادلانه درآمد سرانه، کاهش سرمایه گذاری، گسترش حجم نقدینگی، کاهش تولید و بیکاری است. فقر می‌تواند هم علت و هم معلول قاچاق باشد، این اثر ثانویه بلافاصله پس از شکست تولید و کاهش اشتغال و درآمد عارض می‌شود. یعنی با افزایش قاچاق کالا، فقر در جامعه از آنجه وجود دارد بیشتر می‌شود، زیرا قاچاق سرمایه‌گذاری مولد را از هدف اصلی خود منحرف کرده، تولیدات و درآمد ملی را کاهش می‌دهد و به مرور فقر را عارض می‌کند. با افزایش فقر، فساد اجتماعی بیشتر شده و در صورت تداوم و تشید آن، بحران‌های اجتماعی بروز می‌کند (وطن‌پور، ۱۳۸۷).

در واقع با توجه به این که تلاش برای برقراری از فقر، از توصیه‌های فرهنگ اسلامی است، یکی از پیامدهای آسیب‌زای قاچاق کالا تشید فقر است. زیرا قاچاق، شرایط توزیع درآمدها و ثروت‌های اجتماعی را به هم می‌ریزد و مقدورات اقتصادی دولت را که می‌توانست از طریق هزینه‌های عمومی و اعطای یارانه و دیگر حمایت‌های اجتماعی به طبقه محروم کمک کند، کاهش می‌دهد. هم‌چنین رسیدن عاملان قاچاق به ثروت‌های هنگفت، روند فقیرتر شدن طبقات پایین جامعه را سرعت می‌بخشد، چرا که با افزایش تقاضای کاذب و فشارهای تورمی، سطح رفاه اجتماعی پایین آمده، طبقات فقیر در تنگناهای بیشتری قرار می‌گیرند و فاصله آنها با طبقات غنی بیشتر می‌شود (وطن‌پور، ۱۳۸۷).

**ب) اعتمادی شهر وندان نسبت به کالای تولید داخل:** یکی دیگر از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی گسترش قاچاق، ب) اعتمادی شهر وندان نسبت به کالایی است که در داخل کشور تولید می‌شود. اگرچه ممکن است شهر وندان نسبت به نظام سیاسی اعتماد داشته باشند، لیکن نسبت به کالایی که کشور مزبور تولید می‌کند اعتماد ندارند. به عبارت دیگر کالای تولید شده در داخل، نتوانسته است اعتماد شهر وندان آن را جلب نماید. لذا شهر وندان به مصرف کالای خارجی گرایش پیدا خواهد کرد. در واقع وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بازار مصرف به خارج از نظر

الگوهای مصرفی، فرهنگ وابستگی در بین شهروندان را شکل می‌دهدو این مسئله منشا بسیاری از کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی — سیاسی جامعه شده و مستقیماً اثرات منفی بر تولید و بر سیاست گذاری اقتصادی دارد (رومینا، ۱۳۹۳).

### تضعیف فرهنگ کار

شغل مهم‌ترین بعد زندگی اجتماعی است. افراد از کار و عمل شسان بیشتر متاثرند تا فکر و نظرشان. چرا که بیشتر اوقاتشان را در محیط کار و با همکاران می‌گذرانند و بنابراین قواعد و ناهنجاری‌های زندگی شان را از چنین محیطی اختد می‌کنند. لذا اگر قاچاق کالا، کسب ثروت به راحتی و در حجم زیاد صورت می‌گیرد روحیه کار و فرهنگ تلاش در جامعه سنت شده و افراد به جای کسب درآمد از راه صحیح و شرعی به راه قاچاق رفته تا در مدت کوتاهی بتواند ثروت زیادی به دست آورند. افراد تنها به دنبال سود بیشتر حاضرند به راحتی به حقوق دیگران تجاوز نمایند. هرچند آنها دارای ذهن کم و بیش اقتصادی هستند لکن ذهن اقتصادی آنها منحرف است و طالب یک سود سریع، بدون دردرس و انتظار کشیدن می‌باشند(لشمنی پارسا، ۱۳۸۷) که این امر با آموزه‌های اسلامی در رابطه با فرهنگ کار در تضاد شدید است و باعث تضعیف هنجارهای دینی در این زمینه می‌شود.

### تضعیف بعد اجتماعی امنیت ملی

«بنا به نظر ولفرز(۱۹۶۲)، امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها را معین می‌نماید. در واقع، امنیت یعنی رفع خطر و رفع خطر به معنی استفاده بهینه فرصت‌ها است. بنابراین، می‌توان گفت که امنیت دارای دو عنصر تهدید و فرصت است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری از فرصت‌هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۸). به این ترتیب،



سازمان  
جمهوری  
جمهوری اسلامی ایران

امنیت شامل دو وجه است: در وجهی تحقق امنیت در گرو نبود خطرات و در وجه دیگر، کسب فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌های است» (رستم گورانی، ۱۳۹۲).

تحقیقات نشان می‌دهند که قاچاق، بخصوص قاچاق مواد مخدر منجر به کاهش امنیت اجتماعی می‌شود. این امر در صورتی است که مواد مخدر یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی در ایران است، شیوع این موضوع به حدی است که «در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی بر میزان ورود مواد مخدر به کشور، تعداد معتادان، تعداد زندانیان، هزینه‌ها و زیان‌های اقتصادی ناشی از ورود، توزیع و مصرف مواد مخدر و گستره جغرافیایی توزیع و مصرف آن افزوده شده است. بنا بر آمار موجود، تعداد زندانیان مواد مخدر در حال حاضر ۴۸ درصد کل زندانیان کشور را تشکیل می‌دهد که با توجه به رقم ۱۵۰۰۰۰ نفری کل زندانیان، قریب ۷۲۰۰۰ نفر آن‌ها را زندانیان مواد مخدر تشکیل می‌دهند (سایت مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری به نقل از یساقی، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات امنیتی کشور، ۱۳۸۹). بیش از نیمی از زندانیان موجود در زندان‌های ایران را جرایم مرتبط با مواد مخدر تشکیل می‌دهند» (یاروی بافقی، ۱۳۸۹).

با توجه به پژوهش‌ها، قاچاق مواد مخدر، تاثیرات زیر را بر شاخص‌های امنیت اجتماعی داشته است: (یاروی بافقی، ۱۳۸۹)

- قاچاق مواد مخدر بیشترین تاثیر منفی را از طریق افزایش جرایمی نظیر قتل، سرقت و ... بر امنیت اجتماعی و امنیت ملی ایران بر جای می‌گذارد.
- قاچاق مواد مخدر، احساس امنیت شهر وندان را به طور منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد.
- قاچاق مواد مخدر را می‌توان از عوامل عمدۀ ناامنی اجتماعی در ایران دانست.
- قاچاق مواد مخدر، احساس تعلق افراد به جامعه را، تهدید می‌کند.
- قاچاق مواد مخدر، مانع برای گسترش عدالت اجتماعی در ایران به حساب می‌آید.

«در این راستا، حق پناه (۱۳۷۷) نیز در پژوهشی درصدی یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا قاچاق مواد مخدر تهدیدی برای امنیت ملی کشور هست یا خیر؟ وی بیان می‌کند با توجه

به اینکه قاچاق مواد مخدر دارای ویژگی‌هایی همچون بین‌المللی شدن، فراگیری و تداوم است، پس به عنوان یک تهدید برای امنیت ملی ایران مطرح می‌گردد. نفوذپذیری مرزها، ایجاد شرارت و ناامنی، سرمایه داری سیاسی مخالفان داخلی و خارجی، از جمله مواردی هستند که در این تحقیق به عنوان عوامل مخرب امنیت ملی، برشمرده شده‌اند. بنهری (۱۳۸۳)، نیز در پژوهشی به سابقه دیرینه سو مصرف و قاچاق مواد مخدر در ایران اشاره کرده و عنوان نموده: در حال حاضر با گسترش ابعاد قاچاق و سو مصرف مواد مخدر، امنیت ملی کشور به شدت مورد تهدید قرار گرفته است. وی در این پژوهش از اعتیاد جوانان، فروپاشی خانواده‌ها، تباہی کودکان، کاهش سن اعتیاد، افزایش طلاق‌های ناشی از اعتیاد، افزایش زندانیان مواد مخدر، تردد اتباع بیگانه، ناامنی مرزهای شرقی، درگیری نیروهای نظامی و انتظامی با قاچاقچیان، افزایش بیماری‌های نظری ایدز و افزایش مرگ و میر معتادان به عنوان تهدیدات قاچاق مواد مخدر نام می‌برد (یاروی بافقی، ۱۳۸۹).

### ترویج و افزایش فساد اداری

افزایش میزان ارتکاب قاچاق، به عنوان یکی از مصادیق جرائم اقتصادی و ارتباط آن با پدیده فساد اداری که موجبات تشدید پیامدها و آثار زیانبار آن بر بخش‌های مختلف نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را فراهم آورده است - منجر شده تا در سطح بین‌المللی رویکردهای متعددی نسبت به پیشگیری از فساد اداری اتخاذ شود. فساد اداری که آن را در برابر سلامت اداری به کار می‌برند، بر اساس تعریف سازمان شفافیت عبارت است از استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی اداری، تحت تاثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی (توکلی، ۱۳۸۹). توجه به شاخص‌های زیر می‌تواند در شناسایی و طبقه‌بندی علل موثر بر بروز قاچاق در نظام اداری راهگشا باشد: (توکلی، ۱۳۸۹)

- ضعف در شایسته سالاری

- توزیع نامتناسب و غیرعادلانه درآمد و تعیین‌های نا به جا در محیط اداری

- ضعف در ثبات مدیریت‌ها و ایجاد امنیت شغلی برای کارکنان
  - وجود اختیارات تعریف نشده برای مدیران
  - ضعف در نظام تشویق و تنبیه مناسب اداری جهت بالا بردن انگیزه مثبت و ایجاد بازدارندگی از وقوع جرم
  - کنای در مکانیزه کردن امور و نبود سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته جهت کاهش حضور مراجعان و ارتباط مستقیم با کارمندان
  - عدم حاکمیت فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای در محیط‌های اداری
  - عدم اعمال نظارت کافی بر حسن اجرای قوانین در دستگاه‌های اداری، عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب و بازدارنده در این خصوص و وجود شبکه روابط غیررسمی در سازمان‌ها خارج از چارچوب سلسله مراتب اداری تعریف شده در قوانین
  - عدم آگاهی مراجعان از حقوق و تکالیف خود
  - نارسایی در نظام پرداخت حقوق و پاداش
- با این‌که قوانین بسیاری جهت پیشگیری از فساد اداری و قاچاق وجود دارد، اما در این زمینه هنوز آسیب‌های جدی وجود دارد. قانون مدیریت خدمات کشوری، به عنوان مهم‌ترین نص قانونی سیاست جنایی تقنی ایران، در رابطه با پیشگیری از فساد اداری محورهای عمدت‌های به شرح زیر است: (توکلی، ۱۳۸۹)

- جامعیت
- رعایت ضوابط استخدامی و انتصاب صلح
- کرامت و تکریم مردم
- عدم تمرکز امور
- دولت کوچک کارآ و منطقی شدن اندازه آن
- پویایی ساختار و تشکیلات
- استفاده از فناوری مناسب

- ارتباط کارآیی و عملکرد کارکنان با دریافت حقوق و مزایا
- شفافیت رابطه کارمندان با دولت و تعیین حقوق و مزایا
- ایجاد ارتباط بین نوع استخدام، وظایف و برنامه‌های دستگاه اجرایی
- اهمیت آموزش کارکنان
- نظارت و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی
- حفظ کلیه حقوق استخدامی کارکنان فعلی دستگاه‌های اجرایی

### تأثیر قاچاق بر سرزمهین و جمعیت

قاچاق از جنبه جمعیتی آثار گسترده‌ای دارد. در بسیاری موارد کالای قاچاق به سلامت عمومی و فردی آسیب می‌زند و مشکلات فراوان بهداشتی ایجاد می‌کند. افزایش اعتیاد و بالا رفتن شمار معتادان یک تهدید جدی برای ساختار اجتماعی – اقتصادی جامعه است که عملکرد حکومت را به سختی چالش می‌کشد. از جنبه دیگر، ورود کالاهای فرهنگی که اخلاق اجتماعی را هدف قرار می‌دهند، تضعیف پیوندهای اجتماعی و افزایش ناهنجاری اخلاقی را به دنبال دارد که هم برای حکومت مشکل آفرین است و هم اعتماد عمومی به توانایی دولت برای کنترل آن را تردید پذیر می‌کند. از جنبه اقتصادی نیز قاچاق ضربه‌ای اساسی به پیکر تولید داخلی و عاملی در نابودی صنعت و اقتصاد داخلی تلقی می‌شود و اعتبار نهادهای حکومتی برای کنترل اوضاع را نزد طیف وسیعی از تولیدکنندگان و فروشندهان رسمی از میان می‌برد و این به معنای کاهش رضایتمندی از حکومت و افزایش نامنی است. به طور کلی از دید جمعیت و جامعه قاچاق از زوایای گوناگون کارایی و کارامدی حکومت را خدشه دار می‌کند و عامل مهمی در کاهش اعتبار حکومت است. هر اندازه اعتبار یک حکومت بیشتر خدشه‌دار شود توانایی آن برای تامین امنیت و مبارزه با نامنی کمتر می‌شود. از بعد سرزمهینی نیز وجود قاچاق به منزله نبود کنترل موثر بر سرزمهین و ناتوانی حکومت در حفاظت از مرزهای سیاسی، زیرا گروههای تبهکار با ایجاد نامنی در مرزها و بی ثبات کردن آنها به هموارسازی راه قاچاق از مرزها مبادرت می‌کنند. ناتوانی یک حکومت در

(۱) باسته بر این دو پژوهش

کنترل مرزها در برخی موارد منجر به ورود کشور همسایه برای تعقیب باندهای قاچاق به داخل سرزمین می‌شود و این به معنی از دست رفتن امنیت و حاکمیت است (ربیعی، ۱۳۹۲).

## ۲. تاثیر قاچاق بر از خودبیگانگی از بعد فرهنگی هویت ایرانی اسلامی

بعد فرهنگی هنجرهای اسلامی ایرانی برآگاهی از آداب و رسوم مطلوب جامعه اسلامی ایران و پایبندی به آن (احترام به بزرگترها، مهمان نوازی و ...)، آشنایی با هنرهای جامعه اسلامی ایران و آگاهی از مهم‌ترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی ایران و اسلام و بازدید از آثار تاریخی و موزه‌های تاریخی تاکید دارد، در صورتی که قاچاق کالا بخصوص در حیطه‌ی قاچاق میراث و آثار فرهنگی منجر به از خودبیگانی از بعد هویتی و فرهنگی ایرانی اسلامی می‌شود:

### غارت هویت فرهنگی

قاچاق اموال فرهنگی تاریخی توسط شبکه‌های قاچاق باعث رونق موزه‌های کشورهای غربی گردیده و این امر باعث می‌گردد تا نسل جوان نتواند با گذشته خود در ارتباط برقرار نماید و با هویت و ارزش‌های گذشتگان خود آشنا شود. نسلی که با فرهنگ و تمدن قبلی خود نتواند پیوند داشته باشد احساس پوچی، بی‌اصالتی و بی‌هویتی می‌نماید و این احساس در تفکر او و حرکتش به سوی آینده موثر می‌افتد (لشی پارسا، ۱۳۸۷).

اما متاسفانه باز شدن مرزها، افزایش جنگ‌ها، فقر و توسعه بازار هنر از عوامل بیانگر قاچاق آثار فرهنگی است که پس از قاچاق مواد مخدر در زمینه قاچاق، جایگاه دوم را به خود اختصاص می‌دهد. به همین علت بررسی گستره امکانات اجرایی کشورها در مبارزه با این پدیده و ارزیابی کارایی آنها امری ضروری است. همکاری بین‌المللی در مبارزه با این پدیده از اهمیت بسیاری برخوردار است. به دلیل جنگ منافع بین کشورهای صادر کننده و وارد کننده آثار فرهنگی و تعدد سیستم‌های قضایی حاکم بر حفظ میراث فرهنگی ملی، تنها همکاری بین دولتها قادر است تدابیر قانونی ملی در این زمینه را افزایش دهد. بعضی از مشکلات به علت عدم توازن و اختلافات موجود در برداشت مفاهیم کلیدی و عدم ابزار مناسب در مبارزه با قاچاق است. احکام قضایی فراملی و تصویب قراردادهای

بین‌المللی همچون کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو و اخیراً کنوانسیون قانون واحد استرداد آثار فرهنگی مسروقه یا صادر شده به صورت غیر قانونی در جهت همگرایی قوانین موثر می‌باشد (زواریان، ۱۳۸۹)

### افزایش تبعیض و خشونت‌های قومی و نژادی

یکی دیگر از پیامدهای قاچاق، به خصوص قاچاق انسان در هر جامعه‌ای ناهمگونی در بافت انسانی آن جامعه است، به طوری که در هر منطقه‌ای آرایشی از فرادستان و فرودستان جامعه شکل می‌گیرد. افزایش شمار زیادی از مهاجران غیرقانونی و افراد قاچاق شده به یک منطقه باعث افزایش تبعیض، خشونت‌های قومی و نژادی نسبت به اقلیت‌ها می‌شود. این افزایش در تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در یک جامعه خود به خود به رواج ناهنجاری‌های رفتاری و تخطی از قوانین جامعه، جرم و جنایت یا بزهکاری از سوی اقلیت در واکنش به رفتارهای تبعیض آمیز اکثربت، افزایش می‌یابد (فروغی، ۱۳۹۰).

### افزایش خرد فرهنگ‌های منحرف در جامعه

قاچاق به گسترش خرد فرهنگ‌های منحرف در جامعه نیز کمک می‌کند. این فرهنگ انحرافی، که محصول دسترسی به وسائل ارتباط جمعی جهانی، چون اینترنت، ماهواره و استفاده مداوم از فیلم‌های غیرمجاز نظایر آن است، شخصیت اجتماعی فرد، ارزش‌ها و هنجارهای او را تغییر می‌دهد، به طوری که فرد را در گروه‌های دوستی به سوی تشکیل خرد فرهنگی سوق می‌دهد که با ارزش‌ها و هنجارهای اصلی جامعه، مخالف و یا حتی گاهی در تضاد است. افزایش شاخص‌هایی نظیر سنت گریزی، احساس تنها، بیگانگی اجتماعی، کاهش گرایش‌های مذهبی و اخلاقی و گرایش به تجمل، نشانه جذب فرد در خرد فرهنگ‌های منحرف می‌باشد، که نهایتاً آسیب‌هایی که این خرد فرهنگ‌های نامتعارف و نامعمول به جامعه می‌رسانند شرایط ایجاد ناامنی، افزایش جرایم و انحرافات اخلاقی و فرهنگی و نظایر آن را در جامعه فراهم می‌کند و سیستم فرهنگی جامعه را در مهار چنین خرد فرهنگ‌های منحرف دچار آسیب می‌سازد (فروغی، تهرانی بدنده‌پوری، سید، ۱۳۹۰).

## افزایش تهاجم فرهنگی

یکی از انواع قاچاق، وارد کردن ابزارهای تهاجم فرهنگی از قبیل کتب، جراید، بروشورهای منحرف کننده، تصاویر مبتذل، سی دی و دیسکت‌های رایانه‌ای، نوارهای ویدئویی و کاست‌های مبتذل و ضد اخلاقی و همچنین انواع اسپری، فرصهای محرک، آلات و ادوات قمار و مشروبات الکلی می‌باشد. با وارد شدن این اقلام به دور از منظر سامورین مجری قوانین و خانواده، جوانان جامعه در معرض تهدیدهای جدی فرهنگی، اخلاقی قرار می‌گیرند و الگوهای رفتاری و فکری خاصی را به دشمن آنان تلقین می‌نماید. در اثر استمرار قاچاق این نوع کالاهای به تدریج ارزش‌های دینی و ملی جامعه رو به ضعف می‌رود (لشنی پارسا، ۱۳۸۷).

البته نفوذ خرد فرهنگ‌های منحرف با توجه به آزادی‌های وسیع در کشورهای غربی، خیلی گسترده‌تر و تخریب کننده‌تر است، به نحوی که مصالحین اجتماعی را به فکر و ادار کرده تا برای مشکلات موجود راهی بیابند. اما در کشوری مثل ایران که مردم به اصول و مبانی دینی و انسانی پایین‌تر هستند، این خود فرهنگ‌های مخرب، به صورت آرام و تدریجی در حال رشد بوده و در صورتی که به حال آن‌ها فکری نشده و جایگزین مناسبی برای آن‌ها پیدا نشود، ظرف چند دهه یا حتی چند سال آینده فراگیر خواهد شد (وطن‌خواه، ۱۳۹۱).

## تغییر ارزش‌ها

قاچاق منجر به ایجاد تغییر ارزش‌ها در جامعه می‌شود. برخی از صاحب نظران فقر و بیکاری را عامل قاچاق می‌دانند، ولی فقر به تنها یک عامل انحرافات اجتماعی نیست، بلکه نابرابری و تغییر ارزش است یک جریان تهدیدآمیز است. به عبارت دیگر فقر زمانی تاثیرگذار است که در مقابل آن تصویر یا گفتار یا آرزوهای بلند پروازه ارائه شوند. هنگامی که ثروت ارزش محسوب می‌شود، بدون در نظر گرفتن اینکه از چه راهی به دست آمده، نظام اجتماعی در معرض خطر

قرار می‌گیرد. از سویی تغییر معیارهای ارزشی نسبت به سالهای نه چندان دور در اغلب کشورها باعث شده که اخلاقیات از سوی نسل جدید کمتر مورد توجه قرار گیرد (وطن خواه، ۱۳۹۱).

یکی از انواع فاچاق که منجر به تغییر ارزش‌ها در جامعه می‌شود، فاچاق مواد مخدر است، فاچاق مواد مخدر تاثیرات زیر را بر ابعاد ارزشی جامعه دارد: (یاروی بافقی، ۱۳۸۹)

- فاچاق مواد مخدر بیشترین تاثیر منفی را بر توسعه انسانی بر جای می‌گذارد.
- فاچاق مواد مخدر، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را به طور منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد.
- فاچاق مواد مخدر، با باورهای اسلامی جامعه ایران در تضاد و تقابل است.
- فاچاق مواد مخدر، از پیوند جوانان با فرهنگ ملی - اسلامی ایران می‌کاهد.
- فاچاق مواد مخدر، مانع برای صیانت از هویت ملی - مذهبی افراد به حساب می‌آید.
- فاچاق مواد مخدر و به تبع آن سوء مصرف این مواد ضمن غیرقانونی بودن، در چارچوب احکام دینی نیز ممنوع بوده و عرف جامعه ایران با آن سازگار نیست.

### ۳. تاثیر فاچاق بر ازخودیگانگی از بعد اقتصادی هویت ایرانی اسلامی

در حالی که هنجارهای دینی ملی در بعد اقتصادی بر پاییندی جامع و عملی به اخلاق اقتصادی جامعه اسلامی ایران (اعم از قناعت، عدم اسراف، قرض الحسن و ...) و بایدها و نبایدهای اقتصادی جامعه اسلامی ایران (اعم از عدم کم فروشی، عدم رباخواری، عدم احتکار، عدم رشوهدی و رشوهدگیری، پرداخت خمس و زکات و ...) تاکید می‌کنند، فاچاق کالا از طریق پیامدهایی نظیر ۱. اختلال در اجرای قانون ۲. ایجاد فرهنگ قانون گریزی ۳. اختلال در تجارت رسمی ۴. گسترش اقتصاد زیرزمینی ۵. کاهش سطح معیشت و انتقال فشار مالیاتی بر بخش رسمی اقتصاد ۶. فرار مالیاتی ۷. هدر رفتن منابع ملی و کاهش سرمایه‌گذاری ۸. تضعیف تولید ۹. کاهش نرخ رشد اقتصادی ۱۰. کاهش درآمد دولت (حیدری فر، ۱۳۹۳) منجر به صدمه دیدن بعد



### اقتصادي هويت ايراني - اسلامي می شود.

به طور کلي آسيب‌های قاچاق بر بعد اقتصادي هويت ايراني - اسلامي به صورت زير است:

(لشني پارسا، ۱۳۸۷)

- خروج ارز از کشور برای واردات کالای قاچاق، افزایش تقاضای ارز در بازار غیررسمی را در پی خواهد داشت و افزایش تقاضای ارز به دليل محدودیت‌های ارزی، کاهش ارزش پول ملي، افزایش تورم و قيمتها را به دنبال خواهد داشت و از طرفی تورم مجدداً منجر به کاهش ارزش پول ملي خواهد شد.
- به علت سودآوري کلان قاچاق در کوتاه مدت، سرمایه‌گذاري در صنایع کشور کاهش يافته که اين امر کاهش اشتغال در کشور را در پی خواهد داشت.
- وجود کالاهای متنوع خارجي از نظر کيفيت و قيمت امكان رقابت بعضی از توليدات داخلی با کالاهای مشابه خارجي که به صورت قاچاق وارد گردیده را کاهش داده که اين امر اثرات مخربی بر توليدات داخلی خواهد داشت.
- گرایش و جهت‌گيري بخشی از نقدینگی جامعه به سمت قاچاق که موجب خروج بخشی از منابع و سرمایه‌ها از بخش تولیدات مولده گردد.
- ورود و خروج ارز به صورت قاچاق توسيط عوامل قاچاق باعث می‌گردد تا كتrol و نظارت بر جريان منابع ارزی در کشور با مشکل روپرتو گردد.
- بخشی از درآمدهای پيش‌بياني شده در دولت از محل سود بازرگانی و حقوق گمرکي کالاهای وارداتي تحقق پيدا نخواهد كرد.
- اختلال در سياست‌های دولت در زمينه تبادل تجاری و بازرگانی در ادامه برخی از پيامدهای قاچاق بر تضعيف بعد اقتصادي ارزش‌های اسلامي - ايراني

تشريح خواهد شد:

**ترويج فرهنگ مصرف گرایی:** فرد گرایی انحصار طلبانه، تجاری سازی، بازارسازی، اقتصاد مبتنی بر شناس، افزایش رقابت و گسترش سیستم پاسخگویی به سبک بازارهای اقتصادی در

نهادهای فرهنگی از جمله مبانی بستر ساز فرهنگ مصرف گرای تحت تاثیر قاچاق است. اما فردگرایی انحصار طلب، زیاده خواهی، ایجاد محرومیت برای طبقات کم درآمد، تجمل پرسنی، کاهش عاملیت انسان، ایجاد رقابت برای کسب ثروت و تبدیل ثروت به معیار ارزش گذاری، چالش‌های بنیادینی را ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی ایجاد می‌کند. لذا احیای الگوی مصرف اسلامی، تقویت علوم انسانی و بهره‌گیری از آن برای نقد فرهنگ مصرف‌گرا و همگرایی نهادهای اجتماعی در پژوهش هویت اسلامی از جمله راههای رهایی از آسیب‌های اقتصادی قاچاق است (محمدی، ۱۳۹۴).

**افزایش انحصار و رانت خواری:** افزایش رانت خواری یکی دیگر از پیامدهای قاچاق است که با فرهنگ اقتصاد اسلامی در تناقض بنیادین است. می‌توان گفت شکل‌گیری باندهای مافیایی با در اختیار داشتن کارگاه‌های مجهر در مبدأ و مقصد، برخورداری از رفاه مالی، بهره‌گیری از رانت، انحصار و توسل به خشونت در واقع لزوم، از پیامدهای قاچاق کالا است (وطن‌پور، ۱۳۸۷).

**تضعیف عزت تولیدی و اقتصادی داخلی:** قاچاق و دامپینگ داخلی، اختلال و گسیختگی در تولید داخلی ایجاد می‌کند و هزینه‌های جانبی را افزایش می‌دهد. این هزینه‌ها که متوجه تولیدکنندگان ایرانی است قیمت تمام شده کالا را به میزانی که نتواند با کالاهای وارداتی برابری کند، بالا می‌برد.

می‌توان گفت در اثر قاچاق، برخی از صنایع داخلی مانند کبریت‌سازی، عینک‌سازی، وسایل ارتباطی و مخابراتی، ساعت‌سازی، شکر، ماشین آلات بسته بندی، فرش ماشینی و ... که توان کافی برای رقابت با تولیدات ارزان و مشابه خارجی را ندارند با زیان دهی، کاهش تولید، افزایش ریسک، تصمیم برای فروش و حتی تعطیلی رو برو شده‌اند. داده‌ها و اسناد قابل دسترس در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا به عنوان مهم‌ترین مرکز تخصص در زمینه قاچاق، مستند به گزارش‌ها و آمارهای ارائه شده از سوی بنگاه‌های اقتصادی اعم از صنعتی و کشاورزی و دیگر دست اندکاران و منابع اطلاع رسانی نشان دهنده کاهش تولید در بسیاری از محصولات داخلی

مانند پوشاك و منسوجات، دخانيات، لوازم خانگي، لوازم آرایشي، آهن آلات، ريانه و متعلقات، کاشي و سراميك، لوستر و لامپ، كفس، اسباب بازي، چاي، دارو و شيرخشک، وسائل صوتی و تصویری و ... به موازات افزایش واردات اجناس مشابه از طریق قاچاق است (وطن پور، ۱۳۸۷)

اما کاهش تولید داخلی ناشی از قاچاق سبب کم شدن رقابت پذیری می شود و کشوری که رقابت پذیری در آن کم شود، سهمش از کل صادرات اجناس کم، و به واردات اضافه می گردد. کاهش اشتغال در بخش تولید با افزایش جذب نیروی کار در بخش های دیگر اقتصادي غیرقابل جبران است. با کاهش بهره وری و تنزل اقتصادي، تراز پرداختها رو به وخت می گذارد و عقب ماندگی صنعتی نسبت به رقبا و بازماندن از توسعه در معیارهای جهانی اتفاق می افتد و در نتیجه، پیوستن کشور به سازمان تجارت جهانی با تاخیر مواجه می شود، چرا که لازمه ورود به این سازمان افزایش کیفیت و رقابت پذیری کالاهای تولید در مقایسه با اجناس مشابه خارجی و رفع موانع تولید است. در حال حاضر حدود ۱۵۰ کشور جهان به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده‌اند و درصد از تجارت دنیا به دست این سازمان در حال اجراست (وطن پور، ۱۳۸۷)

**طبقاتی شدن جامعه در بعد اقتصادي:** مهمترین عامل نابسامانی جوامع امروزی و به وجود آمدن بحران‌های اجتماعی ریشه در نابرابری و تبعیض در سطوح مختلف جامعه دارد، قاچاق کالا علاوه بر آنکه هویت جامعه را به شدت دچار اختلال می نماید، شاخص‌های نابرابری در زمینه‌های اقتصادي، فرهنگی، اجتماعی و .... را افزایش می دهد و عدم تعناس افراد، نوع تقسیمات کار در نظام طبقه‌ای، ارزش‌ها و هنجارهای گروهی مختلفی را بوجود آورده و به سنتیز نقش‌های اقتصادي می افزاید (لشنی پارسا، ۱۳۸۷).

**تضعیف امنیت اقتصادي کشور:** قاچاق امنیت اقتصادي کشور را تهدید می کند، یکی از عواملی که در این بین سهم زیادی دارد، قاچاق مواد مخدر است. قاچاق مواد مخدر آسیب‌هایی

(۴) به شرح زیر بر روی امنیت اقتصادي کشور می گذارد: (یاروی بافقی، ۱۳۸۹)

- قاچاق مواد مخدر از طریق افزایش هزینه‌های انتظامی و قضایی بیشترین تاثیر منفی را بر

امنیت اقتصادی و امنیت ملی ایران وارد می‌سازد،

- قاچاق مواد مخدر، مانعی برای توسعه مناطق درگیر در پدیده قاچاق مواد مخدر و در واقع مانع توسعه موزون کشور است.
- قاچاق مواد مخدر می‌تواند به معضل بیکاری در جامعه دامن بزند.
- قاچاق مواد مخدر را می‌توان از عامل فقر و فاصله طبقاتی در ایران دانست.
- قاچاق مواد مخدر گذاری در ایران را به مخاطره می‌اندازد و موجبات فرار سرمایه از ایران را فراهم می‌سازد.
- قاچاق باعث ایجاد تورم در جامعه، فساد اداری، هرز رفتن منابع انرژی کشور، تهی شدن منابع انرژی کشور، از بین رفتن و خواب رفتن صنایع محدود داخلی، توقف چرخه خدمات و صنعت و ناوگان‌های حمل و نقل داخل شهری و برون شهری، ایجاد گرانی‌های لحظه‌ای و انواع ناهنجاری‌ها می‌شود و ارکان و عناصر بنیادین نظام اجتماعی را سست می‌کند.

#### ۴. تاثیر قاچاق بر از خود بیگانگی از بعد سیاسی هویت ایرانی اسلامی

در حالی که هنجری ایرانی اسلامی در بعد سیاسی بر مرجع دانستن نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی جامعه اسلامی ایران، درک ضرورت وجودی رهبری در جامعه اسلامی ایران(ولایت فقیه)، دارا بودن بینش و بصیرت سیاسی(مانند درک شرایط سیاسی و خارجی و ...)، اعتقاد به مردم سالاری دینی، آمادگی برای دفاع از جامعه اسلامی ایران در هر زمان و تحت هر شرایط، جدا ندانستن سیاست از دین (باور به گسترده بودن آموزه‌های دین در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست. هم چنین، اعتقاد به اینکه سیاست، بستر مهم تحقق احکام دین است)، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی ایران از جمله شرکت آگاهانه در انتخابات، پایبندی به قوانین سیاسی جامعه اسلامی ایران (مانند رعایت قوانین، انتخابات، تظاهرات یا راه پیمایی‌ها، حضور در مجلس و ...) تاکید می‌کند، قاچاق با پیامدهایی نظیر افزایش ثروت و

قدرت نامشروع ۲. رانت خواری ۳. بی عدالتی ۴. کاهش اعتماد عمومی ۵. تمایل به قانون گریزی ۶. افزایش بی نظمی اقتصادی ۷. تضعیف امنیت اقتصادی ۸ افزایش فاصله طبقاتی ۹. هدر رفتن منابع ملی ۱۰. تضعیف کارآمدی ۱۱. کاهش امید ملی ۱۲. کاهش امنیت ملی، ۱۳. کاهش توان سیاسی کشور (حیدری‌فر، ۱۳۹۳)، ابعاد سیاسی هویت ایرانی - اسلامی را تضعیف می‌کند. در ادامه برخی از سازوکارهای تاثیر قاچاق بر ارزش‌های سیاسی ایرانی - اسلامی تشریح می‌شود:

**برهم خوردن تعادل بازارگانی و سیاسی:** قاچاق پدیده‌ای است که بیش و کم تمام کشورهای دنیا با آن مواجه هستند، ولی وسعت و عمق آن در کشورهای در حال توسعه، بیشتر از کشورهای توسعه یافته است، به طوری که در برخی از کشورهای در حال توسعه، قاچاق بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را در بر می‌گیرد ( حاجی نژاد، ۱۳۷۹: ۱۵۶). اقتصادهایی که با فراوانی بلا و تعدد قاچاق رویه رو هستند، با بیماری و ناکارآمدی در کنترل مناسبات تولیدی و توزیعی خود مواجه هستند. قاچاق کالا به نظام اطلاعات اقتصادی کشورها آسیب می‌رساند و امکان برنامه ریزی برای رشد بلند مدت را از بین می‌برد. از سوی دیگر، باعث کاهش درآمدهای دولت و به هم خوردن تعادل میان بخش‌های تولیدی، بازارگانی و عرضه کالا می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۹۰).

**تضییف قدرت امنیت ملی:** شبکه‌های قاچاق با انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی در بسیاری از حوزه‌های مغایر با منافع ملی کشورها گام بر می‌دارند و سرانجام بر امنیت ملی به ویژه مولفه‌های اقتصادی و سیاسی آن که از عوامل اصلی قدرت در عرصه جهانی هستند، سایه می‌افکنند در کشور ما که استراتژی توسعه اقتصادی هدفی حیاتی قلمداد می‌شود، می‌تواند به عنوان یک تهدید تمام عیار اقتصادی و سیاسی نظام موجود را از دستیابی به این هدف باز داشته و قدرت اقتصادی و سیاسی را به مثابه یکی از ارکان تضمین کننده امنیت همه جانبه و پایدار به ضعف بکشاند (وطن‌پور، ۱۳۸۷).

با این وصف، امنیت که به عنوان اصل نخستین و بسیار مهم در دوام حکومت‌ها ریشه در

کارایی و کارامدی نظام حاکم دارد، تضعیف می‌شود و منافع سیاسی کشور به خطر می‌افتد و ممکن است دلایل اقتصادی-تجاری کارایی و کارامدی اقتصادی-رفاهی حکومت را به چالش کشد. اما این امر به یقین پیامدهای اجتماعی و سیاسی و امنیتی دارد و پیداست که رضایتمندی کلی از حکومت را کاهش می‌دهد. سیستم سیاسی حاکم بر هر کشور، در صورتی می‌تواند بقای کشور را تداوم بخشد که ماموریت‌ها و وظایف خود را به خوبی انجام دهد و انتظارات مردم را برآورده کند. زندگی افراد یک جامعه دربرگیرنده ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که حکومت در هر یک از این ابعاد، وظایفی را بر عهده دارد. ناتوانی حکومت در انجام وظایف خود مشکلات مختلفی را ایجاد می‌کند که یکی از آن‌ها قاچاق است. می‌توان گفت قاچاق در ناکارآمدی نظام حاکم برای اجرای قوانین و مقررات و نظارت و کنترل کافی بر فرایندهای اجرایی ریشه دارد. اجرا نشدن قوانین و مقررات و نداشتن نظارت و کنترل ممکن است خود پیامد رضایتمندی اندک از نظام حاکم و ضعف و سستی حکومت باشد. به عبارتی، قاچاق می‌تواند حاصل یک حکومت ضعیف با قوانین و مجریان ناتوان باشد. در عین حال پیامدهای قاچاق نیز ابعاد مختلف زندگی فردی و جمعی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و منجر به کاهش اعتبار و کارایی و افزایش ناکارآمدی و ناتوانی حکومت می‌شود که طبیعتاً منجر به انجام ندادن و ظایف و مسئولیت‌های حکومت و برآورده نشده انتظارات مردم می‌شود و این مساله نارضایتی عمومی و کاهش مشروعيت حکومت را به دنبال دارد (ربیعی، ۱۳۹۲).

یکی از انواع قاچاق که منجر به تضعیف بعد سیاسی امنیت ملی می‌شود، قاچاق مواد مخدر است: (یاروی بافقی، ۱۳۸۹)

- قاچاق مواد مخدر بر اعتبار سیاسی کشور در منطقه و نظام بین الملل، بیشترین تاثیر منفی را دارد.

- قاچاق مواد مخدر، از طریق ناامن ساختن مناطق مرزی، بر حاکمیت و استقلال سیاسی کشور اثر سو می‌گذارد.

- قاچاق مواد مخدر می‌تواند به مشروعيت نظام سیاسی در ایران لطمeh وارد سازد.

- قاچاق مواد مخدر، می‌تواند انعطاف پذیری نظام سیاسی در برابر تحولات و شرایط متغیر

جهانی کاهش دهد،

- قاچاق مواد مخدر به انسجام و وحدت ملی در ایران صدمه وارد می‌کند.

**کاهش حس تعلق خاطر و ملی گرایی:** یکی از پیامدهای قاچاق تضعیف حس ملی گرایی

است، ملی گرایی نوعی آگاهی جمعی است که پدیدآوردنده حس وفاداری، شور، و دلبستگی افراد به عناصر تشکیل دهنده ملت (زاد، زبان، سنت‌ها و عادت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگ) است. پیروی از باورها و ارزش‌ها و عادات فرهنگی تا زمانی که باعث رضایت مردم گردند، ادامه می‌یابد. و در صورت عدم رضایت، تغییر می‌کنند. اما ملی گرایی فراگیر در بین شهروندان یک کشور بستر مصرف و دلبستگی و تعلق به کالای داخلی را نیز افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر هر اندازه ملی گرایی در بین شهروندان یک کشور قوی‌تر باشد، شهروندان آن کشور تولیدات داخلی را نیز به عنوان یک ارزش و افتخار ملی مورد توجه قرار می‌دهند. از این‌رو ملی گرایی و تبلیغ آن از سوی دولت و یا تقویت آن از سوی نهادهای فرهنگی سیاسی نقش‌آفرین در مصرف کالای داخلی بین شهروندان یک کشور تاثیرگذار است و شهروندان، کالای خارجی بخصوص از نوع قاچاق آن را به دیده افتخار نمی‌نگردند (رومیا، ۱۳۹۳)، اما نکته این جاست که افزایش قاچاق نیز، منجر به کاهش حس ملی گرایی و قدرت سیاسی در جامعه می‌شود.

**بی اعتبار شدن قانون و قانون‌گذاری در کشور:** یکی دیگر از پیامدهای سیاسی قاچاق،

بی اعتبار شدن نظام قانون‌گذاری در کشور است. باید گفت هرچه پدیده قاچاق همگانی‌تر باشد، بیشتر به بی اعتبار شدن قوانین و نهادهای کنترلی منجر می‌شود و این مساله بی‌اعتمادی متقابل مردم را به همراه می‌آورد. در واقع قاچاق به عنوان یکی از مظاهر فساد، زنجیره‌ای از مشکلات را پدید می‌آورد که در نهایت، کارآمدی حکومت را به چالش می‌کشد. وجود فساد در نهادهای اجرای قانون (مانند پلیس، گمرک، نیروهای نظامی و مرزبانان) و همکاری آن‌ها با قاچاقچان، موجب تبدیل به یکی از منابع درآمدزا در غیاب منابع اقتصادی درست می‌شود که ترکیب آن با

حقوق اندکی کارمندان رده پایین مجری قانون و در نتیجه قرار گرفتن آنها در معرض فساد و مشارکت آنان در این امر بی ثباتی شدید را به دنبال می آورد. بی ثبات شدن ساختارهای دولتی به دلیل نفوذ گروههای تبهکار در نهادهای دولتی بر کل ساختارها و فرآیندهای سیاسی اثر می‌گذارد و این فرصت را برای این گروهها فراهم می‌کند تا خود را از اقدامهایی که ممکن است موقعیت آنها را تضعیف کند، یا به خطر اندازد در امان نگه دارند. درست است که کارمندان دارای حقوق کم در گمرک و پلیس در معرض فساد قرار دارند، اما آنچه در این زمینه زنگ خطری جدی تر به حساب می‌آید، ورود مقامات بالاتر دولتی در قاچاق و فساد است که آثار متعددی را دربردارد؛ افزایش حمایت از گروههای سازمان یافته مجرمان و در نتیجه دشوار شدن مبارزه با آنها یا تخصیص نیافتن منابع به چنین مبارزه‌ای و در نتیجه ناکارآمدن شدن دولت، از آسیب‌های جدی قاچاق به ارزش‌های سیاسی ایرانی - اسلامی در کشور است (ربیعی، ۱۳۹۲).

## ۵. تاثیر قاچاق بر ازخودبیگانگی از بعد دینی هویت ایرانی اسلامی

در حالی که ارزش‌های ایرانی اسلامی بر تلاش برای یادگیری جوانب مختلف اسلام (جوانب اعتقادی، احکام و اخلاق)، باور درونی به دین اسلام و پایبندی جامع و عملی به بایدها و نبایدهای دین اسلام، قناعت و تلاش برای روزی حلال تأکید می‌کند، قاچاق کلاً با ترویج روحیه‌ی زیاده خواهی، عدم رعایت کرامت انسانی، فساد اخلاقی، حرام خواری و... ارزش‌های ایرانی اسلامی را تهدید می‌کند.

از میان انواع قاچاق، قاچاق انسان (زنان، کودکان و اعضای بدن) امری است که بیشترین تهدیدها را برای حفظ کرامت انسانی و اخلاق در جامعه در پی دارد. در ادامه این موضوع تشریح خواهد شد:

تعریف پروتکل کنواسیون پالرمو از قاچاق انسان، که در مورد اقبال سایر سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته، عبارت است از: قاچاق انسان یعنی استخدام، حمل و نقل، انتقال، نگهداری یا دریافت افراد، به وسیله تهدید یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، ربودن، فربیض، اغفال، سو استفاده از

قدرت یا موقعیتی آسیب پذیرکه قربانی دچار آن است (خرمی، ۱۳۹۳).

همچنین طبق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، قاچاق انسان عبارتست از:

(عالی پور، ۱۳۸۸)

الف) خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعاً و نیرنگ یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج؛

ب) تحويل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

ماده ۲ قانون فوق برخی رفتارها را در حکم قاچاق انسان دانسته که عبارتند از: (عالی پور،

(۱۳۸۸)

الف) تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.  
ب) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هرچند با رضایت آنان باشد.

ج) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشاء هرچند با رضایت آنان باشد.

در زمینه قاچاق انسان باید گفت که در دو دهه اخیر تغییرات چشمگیری در اشکال مختلف قاچاق انسان به وجود آمده است. اما این امر، پدیده‌ای جدید و تازه برای یک کشور خاص نیست، بلکه پدیده‌ای جهانی و حقیقتی غیرقابل انکار در بسیاری از کشورها است. قربانیان این جرم مردان و زنان و کودکانی هستند که مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده قرارمی‌گیرند. برآوردها بیان گر آن است که حداقل ۱۲ میلیون نفر (در جهان) در وضعیت کار اجباری گرفتارند و حدود یک پنجم این افراد در نتیجه‌ی قاچاق انسان، به استثمار کشیده شده‌اند. این شکل از بردگی مدرن،

از پرمنفعت‌ترین و غیرانسانی‌ترین تجارت‌های دنیا است که به لحاظ درآمد بالا برای جرایم سازمان‌دهی شده، سریع‌ترین میزان رشد را دارد و یکی از مهم‌ترین جرایم روزافروزن بین‌المللی است؛ زیرا قاچاق‌چیان انسان در ازای دریافت مبالغ هنگفت، به واردکردن افراد به کشورهایی دیگر اقدام می‌کنند که این افراد تبعه یا مقیم دائمی آن کشور محسوب نمی‌شوند. سازمان‌های قاچاق انسان، مردم را به طمع پیداکردن کار خوب با درآمد عالی در خارج از کشور از طریق تبلیغات در روزنامه، اینترنت، یا آژانس‌های استخدامی جذب می‌کنند تا بتوانند زمینه‌ی قاچاق قربانیان را فراهم سازند (بیابانی، ۱۳۹۱).

اما نکته مهم در این زمینه این است که قاچاق انسان زمینه ساز دیگر فعالیت‌های مجرمانه در جامعه است. قاچاق انسان برای شیوع دیگر فعالیت‌ها و اعمال مجرمانه در جامعه زمینه‌سازی می‌کند. شبکه‌هایی که آدم‌ها را مبادله و قاچاق می‌کنند همانند خود قربانیان با دیگر فعالیت‌های مجرمانه مرتبط می‌شوند. از طرف دیگر گروه‌های جنایی درگیر در قاچاق و مبادله فقط قربانی‌شان را مجبور به ورود به فحشا نمی‌کنند، بلکه آن‌ها، قربانی‌شان را به فروش مواد، گدایی سازماندهی شده و جیب بری نیز سوق می‌دهند (فروغی، ۱۳۹۰). لذا دولت‌ها در صدد هستند که قاچاق را در ابعاد بزرگ‌تری بررسی کنند، که شامل مشکل مهاجرت، فقر، تعیض و خشونت جنسی می‌باشد (چانگ، ۱۳۹۰).

اما قاچاق انسان و قاچاق زنان، تضعیف ارزش‌های دین اسلام را در کشور در پی دارد، زیرا دلیل مخالفت آموزه‌های اسلامی با قاچاق زنان برای فحشا، مغایرت آن با کرامت و حرمت انسانی است. در عمل موارد زیادی است از قاچاق زنان با کالانگاری انسان و استفاده ابزاری از وی همچون شیئی و نادیده گرفتن کرامت انسانی او همراه است. این امر در صورتی است که تعالیم اسلامی از پدیده برده داری که در تار و پود جامعه آن زمان ریشه دواییده بود، هرگز استقبال نکرد، زیرا این پدیده نیز برایده کالانگاری انسان مبنی است. اهمیت مبارزه با برده‌داری به حدی بود که پیامبر(ص) در عمل به مردم اعلام می‌کردند که متظر لغو فرمان بردگی از سوی خداوند است. اسلام همچنین خرید و فروش انسان آزاد که به معنای فروکاستن انسان به کالا،

مال و رفتار سوداگریانه با اوست، را به شدت نکوهش می‌کند. زیرا از نظر دین اسلام، با فرد انسانی به مثاله کلا رفتار کردن، در هر حال قبیح است، خواه این کار برای مقتضد پست اقتصادی و بهره‌کشی باشد یا برای فحشا. لذا رضایت فردی که کرامت انسانی او از طریق رفتار شبئی انگاری نقض می‌شود، در زدودن قبح آن تاثیری ندارد، زیرا اگرچه به مقتضای قاعده سلطه انسان‌ها بر مال و تن خویش مسلطند، اما قاعده سلطه، مشرع نیست تا عمل حرام را حلال کند، ضمن اینکه تجویز چنین اقدام‌هایی به استثناد قاعده سلطه، در واقع نفی سلطه انسان بر شان خویش است. اسلام با اعطای حق سلطه به انسان‌ها خواسته است تا آنان از این سلطه که بنا بر تفسیری قوام هویت و کرامت اوست، برخوردار باشند، نه اینکه بر از دست دادن آن مسلط نشوند، به دیگر سخن، حق انسان نسبت به سلطه بر خویش از حقوق غیر قابل اعتراض است، زیرا مفاد قاعده سلطه را نباید چنان تفسیر کرد که لغو و بی اثر و یا منضم معنای خود باشد (نویهار، ۱۳۸۵).

در واقع از بررسی ادله قرآنی و روایی و به استثناد قواعد فقهی روشن می‌شود که قاچاق انسان از لحاظ فقهی حرام بوده و از جرایمی است که شرع مقدس بر آن حساسیت ویژه‌ای مبدول داشته است. از احکام روشن فقهی در این زمینه می‌توان به اطلاق عناوین قوادی و مفسد فی الارض اشاره کرد. از لحاظ حقوقی نیز قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است (فهرستی، ۱۳۸۶).

اما باید خاطر نشان کرد که با آنکه قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ در مجموع اقدامی مناسب ارزیابی می‌شود، اما از شفافیت و روانی کافی برخوردار نیست. به موجب این قانون، قاضی نخست باید تعیین کند که آیا قاچاق انسان مصدق یکی از عناوین مذکور در قانون مجازات اسلامی است یا نه، تنها در صورت عدم صدق یکی از عناوین مجرمانه مذکور در آن قانون، قاضی می‌تواند مجازات‌های مذکور در قانون مبارزه با قاچاق انسان را اعمال کند. با توجه به ابهام و کلیتی که در تعریف قوادی — آن گونه که در قوانین کنونی منعکس شده — وجود دارد چنانچه قاضی بخواهد به متون قانونی پاییند باشد، بعید است بتوان مصادیقی از قاچاق انسان را یافت که مشمول

قوادی نباشد، بدین سان، در عمل قانون مبارزه با قاچاق انسان تنها در موارد اندکی قابل اعمال خواهد بود. البته تعریزی بودن جرم قوادی و حد نبودن عنوان افساد فی الارض — جدای از محاربه — و عدم امکان تعمیم به محاربه و افساد فی الارض به جرم قاچاق زنان این مشکل را بر طرف می‌سازد (نویهار، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر در این قانون میزان مجازات تعیین شده برای این جرم، با توجه به ماهیت این جرم به هیچ وجه عامل بازدارنده‌ی این مرتکبین بالقوه نخواهد بود. همچنین تهمیدات و تدابیر ویژه‌ای برای حمایت از حقوق بزه دیدگان شده محدود می‌شود به تشدید بزهکارانی که افراد زیر ۱۸ سال را آماح اهداف خود قرار می‌دهند که در این راستا هم برخلاف مصوبات بین المللی در این خصوص از زنان به عنوان قربانیان بالقوه آسیب پذیرتر هیچ حمایت ویژه‌ای به عمل نیامده است و خلا آن با توجه به ماهیت جرم و اینکه این عمل مجرمانه اغلب با هدف بهره کشی جنسی از زنان است به شدت در این قانون احساس می‌شود. در نهایت باید گفت در سیاست کیفری ایران برای مقابله با قاچاق انسان، تعقیب مرتکبین جرم تنها راهبردی است که فارغ از راهبردهای موثر دیگر همچون حمایت از قربانیان جرم، پیگیری شده و بدیهی است که توجه و تعمق بیشتر در آموزه‌های اسلامی و انسانی، بازنگری و اصلاح رویکرد مزبور را موجه سازد (جوان جعفری، ۱۳۹۱).

## بحث و جمع‌بندی

همان‌طور که در بالا اشاره شد، پدیده‌ی قاچاق در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دینی منجر به تضعیف فرهنگ، هویت و ارزش‌های ایرانی — اسلامی می‌شود، لذا قاچاق را نباید صرفاً به پیامدها و آسیب‌های اقتصادی تقلیل داد، چرا که آسیب‌های فرهنگی و ارزشی قاچاق نیز بسیار هنگفت و تهدید آمیز است.

در مبحث سیاست‌گذاری مبارزه با قاچاق، علاوه بر مباحث قانون گذاری، می‌بایست در زمینه آگاه‌سازی مردم نسبت به آسیب‌های قاچاق به کشور و دین تمرکز کرد. زیرا از دیدگاه روانشناسی، عمل قاچاق به عنوان یک رفتار غلط، زائیده یادگیری اشتباہ و نادرست می‌باشد و در

شرابط خاص به علت ایجاد انگیزه در فرد ایجاد شده و فرد را راغب به انجام عمل اشتباه می‌کند. این عمل با سودآوری مالی و فایده‌مندی برای شخص، نقش تقویت‌کننده را ایفا می‌کند و در نتیجه این عمل در فرد درونی شده و جز رفتارهای عادی و معمولی شخص درآمده و زشتی آن را به کار شایسته و درست تبدیل می‌کند. برای مثال نتایج مطالعات نشان می‌دهد که برای جمعیت ساحل نشین (هرمزگان) آنچه را دولت قاچاق می‌خواند، عملی مشروع و رزقی کاملاً حلال و پسندیده است. از سوی دیگر، به دلیل گسترش این پدیده بین بندرها بویژه دستگیری، محکومیت و زندانی شدن بخش بزرگی از شهروندان هرمزگان به جرم قاچاق، قبح اجتماعی این جرم از بین رفته است (لهمانیا، ۱۳۸۷).

در زمینه قانون‌گذاری نیز موانعی جهت مبارزه با قاچاق وجود دارد. نقصان‌های قانونی در این زمینه عبارتند از: (لشنی پارسا، ۱۳۸۷)

- قوانین و مقررات (دست و پاگیر، غیرشفاف و متغیر و ...) تجاری، گمرکی، ارزی در کشور
- پرهزینه و زمان بر بودن سیستم رسمی وادرات و صادرات کالا در کشور
- وجود برخی انحصارات دولتی و نهادها در نظام صادرات و واردات
- سقف بالای تعریفه گمرکی بعضی کالاهای وارداتی
- ناکارآمدی قوانین سیستم حمل و نقل کالا در کشور

البته لازم به ذکر است که صرف تغییر قوانین نمی‌تواند معضل قاچاق را حل کند، زیرا همان‌طور که تحقیقات تجربی نشان می‌دهد، نیروی انتظامی و وضع قوانین توان و نیروی لازم برای مبارزه با پدیده قاچاق را ندارد و اساساً پدیده قاچاق بسیار ریشه‌دارتر از آن است که بتوان با برخورد قهقهی و انتظامی آن را از بین برد و نیازمند اصلاحات ساختاری در کلان اقتصاد کشور است (مستجابی سرهنگی، ۱۳۹۳) در این زمینه برخی پیشنهادات رفع موانع از این قرارند: (حیدری‌فر، ۱۳۹۳)

- افزایش حقوق و دستمزد ماموران گمرکی و کارکنان نیروی انتظامی به ویژه در نواحی مرزی

- اطلاع رسانی عمومی و بیان مضرات قاچاق بر اقتصاد کشور و شرح پیامدهای آن در بیکاری جوانان و وابستگی کشور به بیگانگان از طریق جراید، نشریه‌ها، صدا و سیما و غیره
- اقدام در تشییت قیمتی تفاوت ارزش ریال با ارزهای معتبر دنیا و جلوگیری از دلالی و ایجاد بازار سیاه و خروج بی رویه ارز به خارج از کشور
- ممانعت از ورود کالای مکشووفه به بازار از طریق انهدام آن‌ها و یا اعمال سیاست‌های خاص در این زمینه
- جلوگیری از افزایش تعرفه‌های وارداتی و تشویق سرمایه‌گذاری در امر تولید
- کاهش نرخ بیکاری، توجه به وضع معاش و فقر مردم در مناطق مرزنشین
- تغییر الگوی مصرف و ترغیب مردم به مصرف تولیدهای داخلی با انجام نوآوری در کیفیت کالاهای تولید
- تجهیز نیروهای مرزبانی به تجهیزات الکترونیکی پیشرفته به منظور نظارت بر نواحی مرزی و ارتقای سطح آموزش و آگاهی کارکنان مرزبانی و راه اندازی دسته‌های مبارزه با قاچاق در هنگ‌های مرزی
- استقرار گمرک و تعزیرات حکومتی در ایستگاه‌های ایست و بازرسی
- توجه به بخش صنایع دستی، دامپروری و کشاورزی در استان
- گسترش بازارچه‌های مرزی
- حذف قوانین دست و پاگیر در صادرات
- اعطای تسهیلات (وام) در شغل‌های واردات و صادرات

در زمینه تدابیر مبحث قاچاق فرهنگی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (زواریان، ۱۳۸۹)

- اصلاح قوانین مربوط به حفظ و مدیریت میراث فرهنگی
- ارزیابی آثار بازدارنده مجازات کیفری مربوط به قاچاق و بررسی بازنگری تدابیر و مفاد

- همراه کردن مجازات کیفری با تدبیر آموزشی به منظور پیشگیری از قاچاق آثار فرهنگی
- تشدید مجازات سرفت آثار فرهنگی
- تشدید تعهدات موزه‌ها و سایر موسسات مشابه (ممتویت خرید آثاری که به طور غیرقانونی وارد شده و میراث کشور دیگر محسوب می‌شود).
- ناظارت بر اجرای قوانین کنواسیون‌های بین‌المللی

## منابع

۱. بیبانی، غلامحسین (۱۳۹۱)، *فاجح انسان، جرم روزافزون بین‌المللی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۲(۱۰): ۶۲-۷۳.
۲. پژوهان، جمشید (۱۳۸۵)، بررسی اقتصادی فاجح در ایران، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۲۰: ۴۳-۷۰.
۳. توکلی، کیاندخت (۱۳۸۹)، نظام اداری و قاچاق کالا، از *علت‌شناسی تراهکارهای پیشگیرانه، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۵(۱۴): ۱۵۹-۱۸۲.
۴. جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۹۱)، زمینه‌های تصویب قانون مبارزه با فاجح انسان و سیاست کیفری در فیال ابن جرم، *فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۴(۱۳): ۳۹-۷۰.
۵. چانگ، جانی (۱۳۹۰)، پیشگیری از فاجح انسان در اقتصاد جهانی، *ترجمه محمد رحمتی، تعالیٰ حقوق*، ۴(۱۲): ۲۱۵-۲۲۵.
۶. حیدری‌فر، محمد رئوف (۱۳۹۳)، بررسی آثار و پیامدهای امنیتی فاجح کالا، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دوازدهم، ۴۸: ۱۵۳-۱۹۴.
۷. خرمی، مصطفی (۱۳۹۳)، بررسی تدبیرهای سازمان همکاری اقتصادی (اکو) برای مقابله با قاچاق انسان به عنوان یک موضوع جهانی، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۷(۲): ۲۹۱-۳۱۸.
۸. ربیعی، حسین (۱۳۹۲)، تبیین نقش منفی پدیده قاچاق در امنیت ملی و رضایتمندی عمومی، *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۱(۱): ۱۱۴-۱۳۷.
۹. رستم گورانی، ابراهیم (۱۳۹۲)، بررسی حایگاه مناطق آزاد تجاری جزیره قشم در توسعه پایدار و امنیت اجتماعی، دو *فصلنامه علمی پژوهشی آمایش سرزمین*، ۵(۱): ۲۷-۴۹.
۱۰. رومینا، ابراهیم (۱۳۹۳)، تبیین نظری فاجح کالای ورودی و مدیریت آن در کشورها، *فصلنامه رئوپلیتیک*، ۱۰(۱): ۸۳-۱۰۵.
۱۱. زواریان، معصومه (۱۳۸۹)، چالش‌های مبارزه با فاجح میراث و آثار فرهنگی، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۱(۴): ۹۳-۱۰۵.
۱۲. سبحانی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۲)، چارچوب مفهومی هویت اسلامی — ایرانی و ملاحظات عملی تعمیق آن در نظام دانشگاهی، *فرهنگ در انگلیشه اسلامی*، ۳(۳): ۱۳-۴۳-۴۳۶.
۱۳. عالی‌پور، حسن (۱۳۸۸)، فاجح زنان بزهی بر ضد کرامت زنان، *مطالعات راهبردی زنان*، ۵: تهرانی بهنده پژوهشگاه

.۱۸۶-۱۴۳

۱۴. غلامحسین بیابانی، سرهنگ (۱۳۹۰)، قاچاق کالا، ابعاد آشکار و پنهان آن، نشریه دانشکده علوم انتظامی، ۴ (۱۵): ۱۲۵-۱۵۷.
۱۵. فروغی، یاسر (۱۳۹۰)، قاچاق انسان یا برده‌داری مدرن: علل و آسیب، *فصلنامه علمی سرویجی مطالعات بین المللی پلیس*، ۲ (۶): ۱۰۰-۱۲۹.
۱۶. فهرستی، زهرا (۱۳۸۶)، تجارت زنان و کودکان از دیدگاه فقهای شیعه و بررسی علل و اهداف آن، *فصلنامه بنوان شیعه*، ۴ (۱۳): ۴۳-۷۷.
۱۷. قلیزاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی، *فصلنامه دانش انتظامی*، ۱۲ (۴): ۱۰۹-۱۴۲.
۱۸. قیومی، عباسعلی (۱۳۹۱)، سنجش وضعیت مولفه‌های هویت ایرانی — اسلامی در میان دانشجویان و ارائه راهکارهای مدیریتی جهت ارتقا آن، *مجله مدیریت فرهنگی*، ۶ (۱۸): ۲۲-۴۸.
۱۹. لشنسی پارسا، روح الله (۱۳۸۷)، چالش‌ها و چشم‌اندازهای قاچاق کالا، *دوماه نامه توسعه انسانی پلیس*، ۱۸ (۵): ۹۱-۱۱۸.
۲۰. لقمان‌نیا، مهدی (۱۳۸۷)، علل قاچاق کالا؛ تلاش برای ایجاد فرهنگ مقابله با قاچاق کالا، *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۹: ۱۵۶-۱۶۸.
۲۱. محمدی، حمدالله (۱۳۹۴)، تاملی بر چالش‌های تربیت مبتنی بر هویت ایرانی — اسلامی در مواجهه با فرهنگ مصرف‌گرای نو لیراییسم، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۶ (۱): ۲۵-۴۴.
۲۲. مستجابی سرهنگی، حمید (۱۳۹۳)، قاچاق کالا در مرزهای دریابی استان هرمزگان و تاثیر آن در امنیتی منطقه، *فصلنامه انتظام اجتماعی اجتماعی*، ۶ (۱۰): ۱۰۴-۱۲۴.
۲۳. میرحیدری، مریم (۱۳۹۳)، ارزیابی مولفه‌های هویت ایرانی — اسلامی و انقلابی در وب‌سایت‌های دانشگاه‌های دولتی تهران، *فرهنگ در اندیشه اسلامی*، ۴ (۲): ۱۷۹-۱۹۸.
۲۴. نوبهار، رحیم (۱۳۸۵)، قاچاق زنان برای روپیگری از منظر آموزه‌های اسلام با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران، *مدرس علوم انسانی*: ۱۰ (۳): ۱۸۷-۲۲۰.
۲۵. وطن‌خواه، حمید (۱۳۹۱)، بررسی نقش پلیس در پیشگیری و مقابله با قاچاق زنان و دختران، *پلیس زن* ۱۶: ۶-۳۳.

۲۶. وطن پور، علیرضا (۱۳۸۷)، قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصاد ملی، بررسی های بازرگانی، ۲۷: ۶-۲۴.

۲۷. یاوری، بافقی (۱۳۸۹)، امنیت تعیین تاثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش های مدیریت انتظامی، ۵(۴): ۵۸۵-۶۰۷۰.